

دانشگاه دولتی آذربایجان بنام من م . کیروف

۲۱۰ *****

دانشجوی سال پنجم دانشکده ادبیات .

واله بدیع

موضوع دیهلم

« شیرین » از منظومه خسرو شیرین نظامی کنجوی

رهبر علی - دانشیار حمید آراسلی

باکو سال ۱۹۵۲

Азербайджанский Государственный университет
имени С.М.Кирова

ФИЛОЛОГИЧЕСКИЙ ФАКУЛЬТЕТ.

Студентки V курса отделения
азербайджанского языка и
литературы

БАДИ ЖАЛЕ АБУЛКАСЫМ КЫЗИ

ДИПЛОМНАЯ РАБОТА

на тему:

ОБРАЗ ШИРИНА ИЗ ПОЭМЫ "ХОСРОВ И ШИРИН" НИЗАМИ.

Научный руководитель работы -
доцент Гамид АРАСЛЫ

гор. Баку - 1952 г.

نظامی شاعر و فیلسوف بزرگ با آثار ادبی و ابدی خود در تاریخ ادبیات ایران

کشورهای خاور صفحه نوین و درخشانی گشوده است . اشعار بلند این شاعر هتمند در طی اعصار متمادی و در اغوش امواج خروشان حوادث تاریخ مانند مشعل هروزانی بر شاهراه ادبیات شرق نورپاشی کرده از نسلی به نسل دیگر و بالاخره بماند رسیده است . شکی نیست که آثار هنری این شاعر بلند قدر در خزینه تمدن انسان آزاد آینده نیز مانند گوهر رخسند و ای همواره تابناک و محفوظ خواهد ماند .

نظامی این شهرت جاویدان را برایگان بدست نیاورده است . بلکه در اثر تریج و زحمت فراوان با یک عمر شب زنده داری و فد اکاری توانسته است نام پرافتخار خود را در تاریخ تمدن بشری ثبت و ضبط نمایند .

~~سراسر این کتاب را به دست خود خوانده ام و در هر صفحه از آن شگفتی و لذتی یافته ام . این کتاب را به همه دوستان و آشنایان خود پیشنهاد می کنم .~~

اگر روزگاری عده انگشتماری ادیب و خاورشناس خسته نظامی را در گوشه و کنار میخوانند امروز ده ها میلیون مردم شوروی نیز آثار این شاعر بزرگوار را با ذوق و رغبت

وافر خوانده و بنام وی خوابانها، گلخوزها، و موزه ها بنا میکنند.

نظای چنانکه خود نیز اذعان دارد قلم را بخله شمشیر بدست گرفته اهمیت
اجتماعی هنر خود را بطور شایده و باید دریافته است. بنظری شاعر باید فلک و آرزو
لحظه از کوشش و کار ناپسند تا سخنانی همچون فلک بلند و باید آرزوید چه سخن
بهترین یادگار انسان و صفا بخش دل و جان است. نظای بقدری شیفته شعرو
دوستدار سخن است که هستی و حیات خود را وابسته بدان میداند.

ماکه نظر بر سخن افکند و لیم مرده اویم و بد و ترند و ایم (۱)

ولی بعقیده وی سخن بایستی راست و سنجیده و سودمند باشد. زیرا کرکئی و
یاوه سرایی علاوه بر اینکه از قدر سخندان میگذرد بد دیگران نیز زبان میرساند.

نظای مانند معلم دانا و دنیا دیده همه جا و همه وقت مردم را بکسب علم
و دانش دعوت کرده میگوید هر که از آموختن تنگ نداشته باشد در آن بحر و لعل
از سنگ برآرد.

دانشمند شوروی و بهیژه ادبیه آن در ایحان به مناسبت جشن هشتصد (۱۰۰۰)

ساله نظای و قبل و بعد از آن در باره نبوغ و عظمت وی بقدر کافی داد سخن داده
و ناگفته باقی نگذاشته اند. روی این اصل اگر در اینجا از ذکر نکات مهمی که بر همگان
اشکار است خود داری میشود تنها بمنظور آن است که گفته های دیگران تکرار نکردد.

چه خود نظامی نیز تکرار گفته دیگران را روا نداشته چنین میگوید:

نگیم هر چه دانا گفت از آغاز که فرج نیست گفتن گفته را باز (۱)

ما بهر گوشه از خسته نظر افکنیم خواهیم دید صحنه های کار و زحمت با زیبایی و صمیمیت خاصی تصویر شده مردم زحمتکش و کاری همواره از حث نیروی معنوی بر سلاطین و امرا و رجحان دارند. بزرگ جوانی که در صحرا با اسکندر رفت و بی روبرو میشود با تن برهنه با زوان توی قلب زمین را می شکافد و می دوزد. اسکندر مقنون نیروی وی شده میگوید: «بیا تا پادشاهی را بتو بخشیده از به کار خاک رهائیت دهم». دهقان جوان با مناعت و بی نیازی پاسخ میدهد: «من بجز دانه کاری کاری ندارم و شاهی سزاوار همچو منی نیست». منظور نظامی از ترسیم این ناپلوی زیبا آنستکه نشان میدهد کار انسان را سالم و نیرومند کرده موجب تربیت و تزکیه اخلاق میگردد. قطرات عرقی که از پیشانی مردم زحمتکش میوزد هزار بار از کوه های تاج سلاطین زیباتر و گرانمایه تر است. نظامی این متفکر نوع پرور انسان را دوست داشته و بقدرت و عظمت او ایمان دارد. بنظری هیچ چیز محکمتر از اراده مردم نیست. نیروی انسان است که میتواند برنامه مصائب و مشکلات فایق آید.

اگر صد بار باشد سخت پولاد زبون باشد بدست آدمیزاد (۲)

فقط این نیروی عظیم انسانی وقتی شمرشمر است که بنبغ بوده های وسیع جامعه باشد.

چه سمات شخصی مربوط و منوط به سمات اجتماعی است و هر فرد انسانی که میخواهد
خوشبخت باشد باید در خوشبختی جامعه و خلق خود بکوشد. بنظر من خوشبختی برای
این شکل و خند آن است که بانور و حرارت خود جهان را میخنداند. اگر انسان کان
گنج بوده و بکار کسی نیاید پس گنج از این گونه در عالم است.

نکته ای که در آثار ادبی نظامی همه جا جلب نظر میکند روح خوشبینی و امیدواری
است. در ترمون و سطلی دوره ای که در اثر ظلم و فشار سلاطین خونخوار و کینه‌لگن بیشتر
شمرای کوشه تشنه سستی میکردند خاطر اشفه و دل طوفان گرفته خودش را با تصوف
نسل بختند نظامی از شادی و روشنی و بهر روزی باید از مزه بخشید و چنین میکند

در زبیدی پس امید است پایان شب سپید است (۱)

بنابر این ما نمیتوانیم با گفته وحدت دستگیری تمام عرفانی در کجه
بگوشه گیری و انزوا گذشته. = مراقبت کم. کسیکه بولاد سخت را پیش آرد
انسان نوزد دانسته بهر روزی روشنی دل بر تاریکی ظلم اطمنانید اندسته همواره روی
خود را در آینه فتح می بیند هرگز نمیتواند متروک بود و تاریکی دنیا بگذرد.

نظامی عقیده مند است که عزت و انزوا از خصائص انسانی بعضی افراد استثنایی
جامعه می باشد و گونه انسان طبعاً اجتماعی است.

هر که در آینه اگر مرده که با آدین خود گریست آدین (۲)

شاعر از یکطرف مرده و جامعه را دوست میدارد و از طرف دیگر از نظام آدین ناخند بر

موجود بین طبقات اجتماع شاکی و ناراضی است و روی این اصل است که هر جا دستش
برسد از زبان توده های مظلوم و گرسنه از سلاطین ظالم و مستبدیکه درون کاخ های
مجلل باشامیدن خون خلق مشغولند انتقاد میکند . نظامی طرفدار حق و عدالت بوده
در آفرینش ادبی خود همیشه نمایندگان طبقه زحمتکش را با محبت و صمیمیت تصویر
میکند . اشعار بهرین ستمدیده ای که دست زد و دامن سنجر گرفت اکنون در کشورهای
کاپیتالیستی جهان فراوان بوده و ناله های او نیز امروز از حلقوم میلیونها بهرین
مظلوم و بی پناه تجلید و میشود . نظامی میگوید مملکت از عدل باید آراست و عدالت
است که بکارها سرور سامان و قرارش بخشد .

اوشاهان خطاب کرده میگوید در دستان و در زمانه باش تا فرماندهی کنی . در
عن حال طبقات محروم و ستمکش جامعه را با این سخنان بهسازوه دعوت میکند .

کردن چه نهی بهر تفتالی راضی چه شوی بهر کنگد جفتالی
چون کوه بلند پستی کن با سنگ دلان درشتی کن (۱)

شاعر تا جایی که میتواند سعی میکند نواقص را با اندرز و اصلاحات از بین ببرد ولی
گاهی باین توجه میرسد که نصیحت بخداوند زور و زور تخم پاشیدن در آب شور است .
زیرا درختی که از پیوند کز است جز با تش راست نکود . بنا بر این برای محوطه فلبان
اجتماع اقدام ضروری و قطعی لازم است . زیرا

برنگد شاخ نواز سروین تا نترقی گردن شاخ کهن

در کشورهای خاور شاه را با تمام ظلمش سایه خدا میدانسته اند . نظامی نیز ~~نیز~~
 قهراً نمیتوانست تحت تاثیر محیط اجتماعی خود قرار نگیرد . او نیز شاهپرست بود
 منتها فرقی که با سایر شعرا داشت آن بود که ناپسندیده نخواست در پناه دربارها
 مداح سلاطین و امرا باشد . نظامی بجای اینکه مدیحه سرایی را پیشه خاص خود کند
 افکار بلند ابدی های عالی و احساسات ظریف خوش را بشکلی منظومه های زیبایی
 خسته در آورده و هر وقت هم که لازم میدیده شاه یا امیری را می ستوده است .
 بدیهی است ما نمیتوانیم ادعا کنیم که نظامی شاهان را مدح نکرده . با بطور
 کلی مداحی سلاطین که پایه قصرشان روی اسکت بوده های زحمتکش قرار دارد
 کار خوبیست . ضمناً حق نداریم وی را مقصر بدانیم که چرا هشت قرن پیش
 شاه یعنی دشمن امروزی ما را ستوده است . نظامی هم مانند تمام مردم زاده و
 پرورده محیط و شرایط زمان خود بوده و در دوره او نیز شرایط انطور اقتضا میکرد است .
 روی هم رفته باید اذعان کرد که در قرون وسطی کمتر شاعری موفق شده است از ظلم و
 فجاج سلاطین و حکام مانند نظامی انتقاد کند . با وجود این این شاعر با مناعت که
 کوه سخن خوش را از تاج پادشاهان گرانبهار میداشتنه همواره مورد اکرام و احترام
 سلاطین قرار میگرفته است .

نظامی کجوی علاوه بر خدماتی که به علم و ادب نموده در تاریخ ادبیات قرون
 وسطی ~~کلی~~ نخستین متفکر است که در راه آزادی و سعادت قرن شجاعانه
 مبارزه کرده است .

بر همه معلوم است که کلاسیک های مارکسیزم و لنینیسم در تاریخ اجتماع بشری برای

نخستین بار برابری کامل حقوق زن و مرد را تأمین نمود و نقش بزرگی را که زنان در نهضت های ازادخواهانه ادوار مختلف تاریخ به عهده داشته اند نشان داده اند.

= در تاریخ بشر هیچ نهضت جدی ازادبختی بدون اشتراک نزدیک زنان

انجام نگرفته است. زیرا هرگاه که طبقه ظلم بطرف آزادی برآمد

در همین حال وضع زنان را نیز آسان میکند. = (۱)

نظایر نیز در زمان خود با اهمیت اجتماعی زنان کاملاً برده و همه جا از حقوق و

ازادی آنان دفاع کرده است.

در زمان نظایر بقایای اصل برده داری هنوز در اندر با بجان وجود داشت.

اتفاق زن زیبای شاعر نیز کمیزی بود که از طرف حاکم دریند بوی هدیه شده بود.

ولی این دختر قه جاتی بنظر نظایر کمیز نبوده بلکه هسر آرجمند و الهام بخش

شمرویی بشمار میرفته است.

بر واضح است که قوانین و قواعد جامعه خود الیستی قرون وسطی زنان را مانند

بردگان اسیر و مطیع مردان ساخته و حق زندگی ازاد را از ایشان سلب میکرد. دین

اسلام نیز موجب تشدید این اسارت و محرومیت شده زن را فائد بسیاری از حقوق

اجتماعی و اقتصادی کرد. اسلام ضمن با اقبال کردن حقوق زنان حق ~~تربیتی~~ ^{تربیتی} حق که

در تماموس بشری وجود دارد یعنی حق مادری را نیز از آنان غصب کرد. قانون ظالمانه

اسلام بمرد اجازه داد به کوچکترین بهانه ای برای همیشه از آغوش گرم مادر جدا کند.

زن در برابر قوانین اسلام از داشتن حق کار حق استقلال مادی حق محبت ازاد و

زندگی مستقل محروم شد .

در چنین شرایط طاقت فرمائی نظامی در عشت (۸) پیش چهارچوب های
 پوسیده قواعد خود ایستی را شکسته و زنجیرهای قوانین اسلامی را از دست و پای
 زنان گسود . نظامی که در افرینش ادبی خود همه جا زنان را فعال و عاقل و مبارز نشان
 داده . از روی احساسات عالی و آرزوهای بزرگ آنان پرده برداشته است . این
 شاعر زبردست مانند یک روان شناس مجرب به تمام خصایص روحی و اخلاقی زن آشنائی
 داشته و توانسته است اثرات خود منعکس سازد . نظامی بقدرت معنوی زنان
 ایمان داشته و برای بدست آوردن حقوق پایمال شده آنان شدیداً مبارز کرده است .
 شاعر از تماشای رنج ها و محرومیت های زنان خشمگین و متأثر شده و این خشم و تأثر را
 در آثار خود نشان میدهد . در منظومه لیلی و مجنون وقتی لیلی اسیر در انوش مادر
 پدر خود باخوبین نفس میگوید

خون میخورم این چه مهربانی است جان میکم این چه زندگانی است (۱)

و در آرزوی جانان جان میسپارد ما رهتس اشکهای شاعر را بر جسد این زیبایی ناکام

و بنهم ع

نظامی که سرایتد و نغمه پیروزی است بهیچوجه مایل نبود سر نوشت تلخ و
 غم انگیز لیلی را در آثار خود منعکس سازد ولی پسرش محمد او را بدینکار وادار ساخت و
 شاعر نیز خواست نشان بدد که آرزوی لیلی یکی از ساده ترین و طبیعی ترین آرزوهای

انسانی است • این دختر حساس می‌خواهد با کسیکه دوست میدارد زندگی کند و پس
 ولی پدر غدار و محیط عقب‌مانده ^(لی) قبله وی مانع موقت اوست •

لیلی دختر نمونه وار (نیهیک) شرق است • هم اکنون در کشورهای ^{غربی} ~~گوناگون~~
 تعداد این قبیل لیلی های اسپر و محروم بسیار و بسیار میباشد •

زبان آثار نظامی (با استثناء لیلی) چه از لحاظ تدبیر در امور اجتماعی و سیاسی
 وجه از جهت داشتن قدرت معنوی نه فقط دست کنی از مردان نداشته بلکه اغلب بر آنها
 برتری دارد •

وقتی نوشابه اسکندر مقدونی ضرور و فایده را در دربار خود می‌شناسد بدون
 اینکه از شهرت و قدرت او ~~بسیار~~ ^{بسیار} با مناعت و مناعت کامل بوی می‌گوید اگر تو
 شیروردی من شیرترم • در میدان نبرد شیر تو و شیر ماده هود و مقتدرند و سپس
 این زن عاقل و صبور به اسکندر می‌فهماند که برای سنجی که خوردنی نیست نباید جنگ کرد •
 نوشابه بقدری خوب از عهد ^{نفسی} خود بر می‌آید که اسکندر را باین اعتراف وادار میکند •
 هزار افرین بر تو ای شاه بانوان تو با هوش و توانایی خود که از شیر مردان برتر است
 ما را بهرین رهبری کردی •

بدیهی است این افرین ها را در حقیقت خود نظامی می‌گوید و اوست که می‌خواهد
 ثابت کند زن طبرغم عقاید قرون وسطایی میتواند در شرایط مساعد دارای تمام صفات
 پسندیده و مزایای عالی انسانی گردد • شاعر زنان ^{تیار} حاکم و فرمانروا را چنین توصیف
 نمیکند بلکه فتنه یک کنیز ساده را نیز از نظر لیاقت و تدبیر ^{بهر} ~~بهر~~ بهرام کور فائق
 می‌سازد •

شیرین قهرمان زنان قهرمان آثار نظامی است . شیرین با زیبایی بی حد و
 محبت و فداکاری فوق العاده خود بصورت زن ابدی و الهی شاعر درآمده است . باید اذعان
 کرد که تا حسن نوع پروری و انسان دوستی نظامی بسرح کمال نرسیده باشد نمیتواند
 انسانی را در سیمای شیرین تا آن پایه حقیقی وزنده و زینا تصویر کند . اما در فصل
 دیگر با سرگذشت شیرین از نزدیک آشنا خواهیم شد .